

لاله زار- عرصه تفرج، از باغ تا خیابان شکل‌گیری خیابان به سبک اروپایی در دوره ناصرالدین شاه*

دکتر سید محسن حبیبی^{۱*}، دکتر زهرا اهری^۲

^۱ استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲ استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۱۰/۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۲/۷)

چکیده:

گسترش روابط ایران با غرب در زمان ناصرالدین شاه، زمینه را برای ورود افکار، الگوها و اشیاء فرنگی باز کرد. گره برداری از الگوهای فرنگی در شهرسازی خود را در طرح توسعه شهر تهران و تبدیل آن به دارالخلافه ناصری و ایجاد فضاهایی با حال و هوای فرنگی نمایاند. خیابان لاله زار که در بخشی از باغ لاله زار (باغ تفرجگاهی سلطنتی بیرون شهری دوران فتحعلیشاه) ایجاد گردید، از جمله شاخص ترین این فضاها است. این خیابان با تجهیز شدن به تأسیسات جدید شهری و آراسته شدن با سبک‌های جدید معماری و فراهم آوردن مکانی نو، دروازه‌ای به غرب و ویتترین نمایش نوآوری شد. نمودهای زندگی مدرن شهری مانند پارک و باغ وحش که مفهوم اوقات فراغت را به گونه‌ای نو مطرح می‌کردند، در آن ایجاد شدند. تجهیزات نوین مثل چراغ گاز و واگن اسبی شباهت شکلی آن را با نمونه‌های اروپایی کاملتر کردند. هر چند مقصودی مشابه شهر اروپایی از ایجادشان دنبال نمی‌شد. حضور زنان برای تفرج و گردش آغاز عصر جدیدی در حیات شهری بود که تا آن زمان بی سابقه بود. این مقاله شرح ظهور خیابان لاله زار در دوران ناصری و خصوصیات آن از جنبه‌های گوناگون کالبدی، فضایی و حیات شهری است.

واژه‌های کلیدی:

باغ، خیابان، طرح نو، فرنگی مآبی، چراغ گاز، تراموا.

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی "تجربه نوآوری (مدرنیته) ایرانی در خلق عرصه عمومی و فضای شهری" است که توسط دکتر سید محسن حبیبی و دکتر زهرا اهری بین سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ در دانشکده هنرهای زیبا-دانشگاه تهران انجام شده است. همکاران طرح پژوهشی عبارت بودند از: محمد توپچی، مهندس زاله جلیلی، راحله حسینی و مهندس فریبا طوفانی.
** نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۱۸۷۸۸، نمایر: ۰۲۱-۶۶۴۱۵۰۴، E-mail: smhabibi@ut.ac.ir

مقدمه

و نهادها در اراضی خاصه و خالصه ساخته می شود. باغ لاله زار نیز که یکی از فضاهای تفریحی بیرون شهری دربار قاجار از زمان فتحعلیشاه بود، در این تغییر و تحول، به سبب نزدیکی به تهران و قرار گرفتن در درون محدوده دارالخلافه ناصری به یکی از عرصه های مهم برای ایجاد نهادها و فضاهای مدرن شهری به "شیوه" غربی تبدیل می شود. در این مقاله با بررسی سیر تحول باغ لاله زار از زمان ساخته شدن آن و مشخص کردن خصوصیات کالبدی، کارکردی و فضایی آن، چگونگی ایجاد خیابان لاله زار و سایر نهادهای مدرن در محوطه باغ و پیرامون آن نشان داده می شود. این بررسی آشکار می کند که خیابان لاله زار فضایی با روحیه فرنگی مآبانه و باز نمود تأثیراتی است که در برخورد با خیابان های محصول دوران مدرن و از آن جمله شانزه لیزه گرفته شده است.

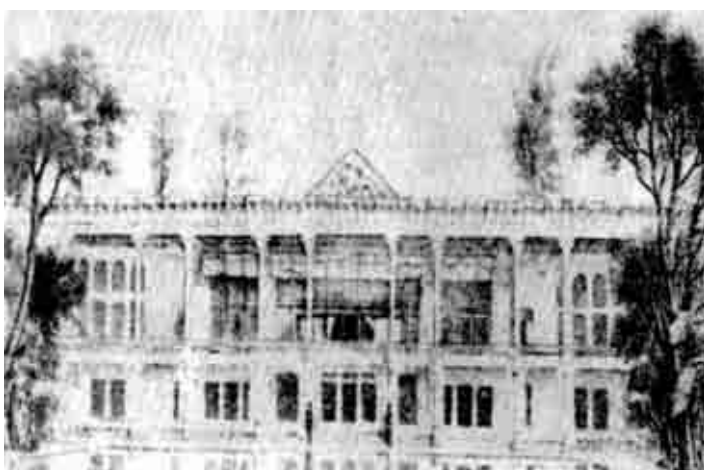
اولین تلاش ها برای کسب دستاوردهای تمدن غرب در دوران مدرن به زمان ولایتعهدی عباس میرزا و تصمیم وی برای فرستادن دانشجویان به فرنگ جهت کسب دانش نوین می رسد. اما تا زمان ناصرالدین شاه این دستاوردها در حوزه شهری نمود روشنی نمی یابد^۱. در واقع در دوره طولانی سلطنت وی، اولین گامها در جهت تجدید سازمان شهر تهران به "آیین" شهرهای اروپایی با برداشته شدن حصار شاه طهماسبی و گنجاندن حاشیه های پرجمعیت شهر در درون حصار جدید برداشته می شود تا در رقابت با استامبول مرکز خلافت عثمانی، دارالخلافه ناصری - مرکز سلطنت شیعی - شکل بگیرد. با سفر ناصرالدین شاه به فرنگ و مشاهده دستاوردهای مدرنیته که اغواکننده ترین تجلی خود را در فضای شهری بازمی نمایند، ایجاد فضاها و نهادهایی به اطوار فرنگی در دستورکار قرار می گیرد. بخشی از مهم ترین این گونه فضاها

لاله زار: باغی بیرون از حصار

برون شهری مکانی برای شادمانی ها و جشن های خصوصی دربار بود (تکمیل همایون، ۱۳۷۸). اعتماد السلطنه در خاطرات خود می نویسد: [به] لاله زار رفتم که آنجا را حاضر کنم، بلکه شاه آنجا تشریف بیاورند (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۶، ۵۵). به جز شاه "اعیان و رجال و بزرگان قوم" نیز در "روزهای تعطیل و گاهی عصرها سواره با کالسکه به آنجا می رفتند و گشت و گذاری می کردند (نجمی، ۱۳۵۶، ۱۵۶). باغ لاله زار در عین حال محل اقامت موقت درباریان نیز بود. مثلاً قائم مقام فراهانی قبل از این که به باغ نگارستان فراخوانده شود و به قتل برسد در باغ لاله زار اقامت می داشت (هدایت، ۱۳۳۹، ۱۶۴). از نمایندگان ممالک خارجی نیز در باغ لاله زار پذیرایی می شد و همان طور که در بالا گفته شد، ژنرال گاردان در آن اقامت داشته و پس از آن مأمورین انگلیس، اطریش و غیره (کریمان، ۱۳۵۵، ۲۰۵) در آنجا اقامت گزیده بودند. برای پذیرایی از نمایندگان و سفرای خارجی "چندین جایگاه آبرومند و مناسب" در باغ ساخته شده بود (نجمی، ۱۳۵۶، ۱۵۶).

باغ لاله زار از فضاهای ساخته شده در زمان فتحعلی شاه قاجار و نزدیکترین باغ سلطنتی به شهر تهران، بیرون از حصار شاه طهماسبی بود. این که باغ در چه زمانی ساخته شده روشن نیست، اما در سال ۱۱۵۴ ه.ش. (۱۲۲۲ ه.ق.) زمانی که نگارستان را می ساختند^۲، ژنرال گاردان به تهران می آید و در باغ لاله زار اسکان می یابد (کریمان، ۱۳۵۵، ۲۰۵). به دیگر سخن، این باغ بیرون شهری قبل از ۱۱۹۰ ه.ش. وجود داشته است.

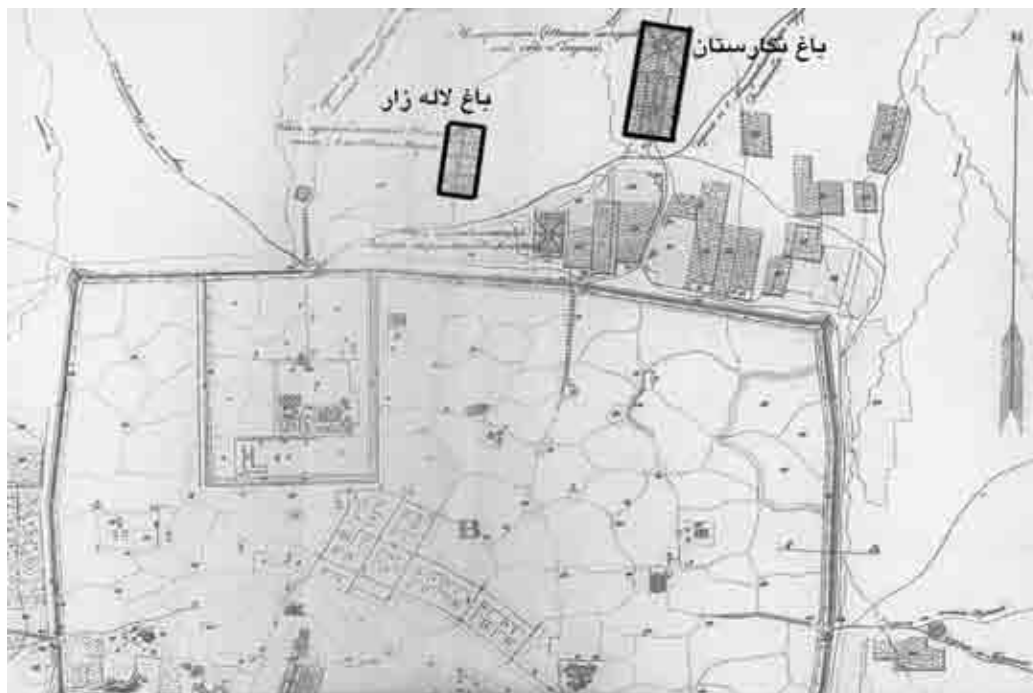
دسترسی به باغ لاله زار از طریق دروازه دولت در شمال ارگ بود. این باغ چنان که از بررسی نقشه سال ۱۸۲۶ میلادی (۱۲۰۵ شمسی) برمی آید، در مقایسه با باغ نگارستان باغی کوچک است که با تعدادی جالیز با چپر محصور شده است (مهریار، ۱۳۷۸، ۱۵۰-۱۵۱). این باغ، مکان تفریح و تفریح شاه قاجار بود. فتحعلی شاه و محمد میرزا فرزند عباس میرزا سواره از ارگ برای گردش به باغ لاله زار می رفتند (نجمی، ۱۳۷۰، ۳۰)، چون همیشه و در ایام سیزده بدر به عنوان عرصه ای



تصویر ۲- قصر لاله زار.
ماخذ: (تهامی، ابریشمی، ۱۳۸۴)



تصویر ۱- بناهای موجود در باغ لاله زار در زمان ناصرالدین شاه قبل از ایجاد خیابان در آن.
ماخذ: (تهامی، ابریشمی، ۱۳۸۴)



نقشه ۱- باغ لاله زار و موقعیت آن در سال ۱۲۰۵ ه.ش. (۱۸۲۶ میلادی).
مأخذ: (مهیار و دیگران، ۱۳۷۸)

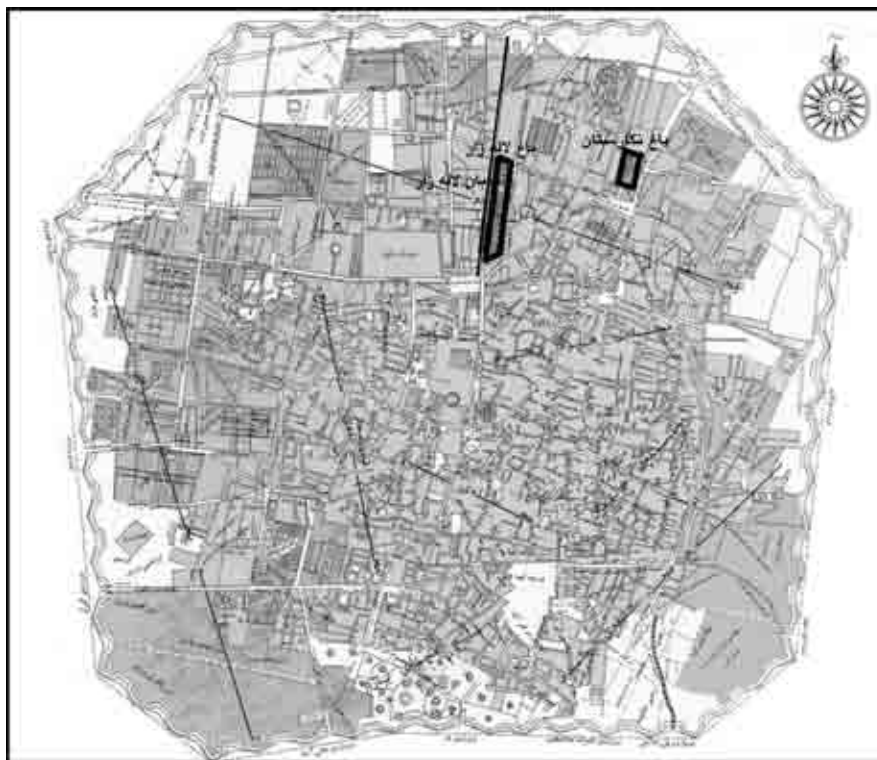
حصار تهران - در شهر و باروی جدید قرار گرفته و نقش تفرجگاه درون شهری می یابند. بدین ترتیب باغ لاله زار و باغ نگارستان، دگرذیسی خود را از فضاهای خصوصی و عرصه برون شهری درباری به فضای نیمه خصوصی و نیمه عمومی درون شهری آغاز می کنند و تعریفی نو در عرصه شهر را جستجو می کنند. شهری که بر آن است که از این پس حال و هوایی فرنگی یابد.

طرح جدید شهر تهران، انگاره ای تازه برای خیابان بندی شهر رقم می زند، انگاره ای مبتنی بر خطوط قائم الزاویه. چهره شهر تغییری جدی می یابد و آرایشی فرنگی به خود می گیرد. چنان که اعتماد السلطنه می نویسد:

"... و دیگر، خیابان های دارالخلافة است که چهار خط آن به شکل مربع اینیۀ ارگ مبارک را در میان گرفته و مربع دیگر به هزاران بار از آن بزرگ تر خود شهر طهران قدیم را احاطه کرده است و از این هشت خط مزبور خیابان های دیگر بریده و به جمیع دروازه های دوازده گانه دارالخلافة ناصری کشیده شده است... و بر دو کرانه غالب این شوارع بیشمار همه جا غرس اشجار شده و حفر انهار گردیده است... و مابین تمامی این خطوط خیابان بیرونی و درونی به دست مهندسان چابک و قییمان چالاک بر آئین معابر عامۀ اروپا "شوشه" شده است. همه جا عراده می رود و کالسکه می گردد" (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۳، ۸۸).

باغ لاله زار در مناسبت های دیگر نیز مورد استفاده دربار قرار می گرفت. مثلاً در مراسم فوت محمد شاه جسد وی را از قصر محمدیه به آنجا آورده و مراسم سوگواری را در باغ لاله زار انجام می دهند (هدایت، ۱۳۳۹، ۳۵۴)، یا در مراسم ازدواج ناصرالدین میرزا، عروس را که در باغ لاله زار بود، سوار مرکب کرده و در معیت امرا و شاهزادگان به نگارستان می آورند. در واقع در این دوره باغ لاله زار باغی است تفریحی که هرچند جایگاه و موقعیت باغ نگارستان را به عنوان باغ نشستگاه سلطنتی خارج از حصار شهر ندارد^۳، اما به عنوان باغ تفرجگاهی سلطنتی و نیز اقامت موقت مهمانان دربار مورد استفاده است. در این زمان باغ لاله زار "باغ خالصۀ پر دار و درخت مصفایی" است که "لاله های خودرو در آن می روییده و با نرده های چوبی اش از جمله تفرجگاهها به حساب می آمده است" (شهری، ۱۳۸۳، ۲۷۶).

از دیاد جمعیت تهران تا زمان ناصرالدین شاه و گسترش خودانگیخته شهر در خارج از حصار شاه طهماسبی موجب می شود تا در سال ۱۲۸۴ ه.ق. (۱۲۵۰ ه.ش.) به دستور ناصرالدین شاه حصار تخریب شده، شهر از چارسوی گسترش یافته و باروی جدید هشت ضلعی ساخته می شود و از این سبب محلات برون شهری نیز داخل شهر قرار می گیرد و تهران که در رقابت با استامبول دارالخلافة عثمانی بود، دارالخلافة ناصری نام می گیرد. با این گسترش، باغ لاله زار همراه با باغ نگارستان - نزدیکترین باغ های سلطنتی به



نقشه ۲- نقشه تهران در سال ۱۲۷۴ شمسی، (نقشه عبدالغفار) که موقعیت باغ نگارستان، باغ لاله زار و در جوار آن خیابان لاله زار را نشان می دهد.

میان بخش قابل توجهی نصیب میرزا علی اصغر خان اتابک (صدراعظم) می شود (شهری، ۱۳۸۳، ۲۷۶).

ایجاد خیابانی با حال و هوای شانزه لیزه، نشان از تجدطلبی دولت قاجار و دل بستگی به فضاهای شهری فرنگی (اروپایی) دارد. خیابانی برای آمدوشد تجددطلبان و دیگر مردمانی که میل به دیدن فضایی دیگرگونه دارند و این شروعی است برای ایجاد زندگی شهری در خیابان. شانزه لیزه در پاریس جدید مکانی برای جاری شدن زندگی شهری و به صحنه درآمدن نمایش های شهری است که بازیگران آن مردمان عادی شهر یعنی شهروندان هستند. خیابان تازه احداث شده در باغ لاله زار می خواهد چنین عرصه ای را در شهر تهران تدارک ببیند. برای ایجاد این خیابان از زمین های خالی بیرون باغ لاله زار استفاده نمی شود (چنانچه از تطبیق نقشه های تهیه شده در آن دوران حاصل می شود)، بلکه بخشی از باغ لاله زار که عملکرد گذشته خود را از دست داده و دیگر در زندگی دربار نقشی ندارد، تبدیل به خیابان می شود. اگر هوسمان در بازسازی پاریس قصد بر آن داشت که پاریس را برای گردش کالا و سرمایه فتح مجدد و آن را برای سرمایه داری نوپا مهیا کند، در این جا دولت قاجار فارغ از اندیشه های تولیدی، در پی تقلیدی ساده انگارانه از نقش جدید و تجددطلبانه خیابان است گویانکه نمی توان بحث سوداگرانه و سودآوری مالی دولت را از نظر دور داشت. زمین باغ که اینک در درون محدوده شهر و در کنار خیابان جدید قرار می گیرد به عنوان کالایی پرسود برای چاکران و مخلصان دولت قاجار مطرح شده و در چرخه سوداگری زمین شهری قرار می گیرد. امری نو در اقتصاد شهری به وقوع می پیوندد. نکته ای که سرنوشت بسیاری از اراضی

با این تعریف و پیدایی "معابر عامه شوسه"، عبور عراده و کالسکه چهره ای دیگر به شهر می بخشد. "مهندسان چابک و قیمان چالاک" شهر فرنگی مآب را تدارک می بینند و برآنند تا چهره ای فرنگی به شهر بدهند، حصار جدید به شیوه حصارهای شهرهای اروپایی ریخته می شود و خیابان بندی و تسطیح معابر و ایجاد تجهیزات شهری مثل گاز نیز در دستور کار قرار می گیرد.

گسترش شهر به سوی شمال، علاوه بر آن که سازمان فضایی ارگ سلطنتی را دگرگون می کند و خیابان های جدید فرنگی را از اطراف آن عبور می دهد با ایجاد محله ای جدید در مناطق شمالی شهر همراه است که در اثر بزرگ شدن حصار در داخل آن قرار گرفته: محله دولت: محله سکونت اروپاییان، استقرار سفارتخانه ها و اعیان و درباریان، محله ای برای سکونت فرنگیان و تجددطلبان ایرانی. ناصرالدین شاه در سال ۱۸۷۳ میلادی (۱۲۵۲ شمسی) به تشویق صدراعظم خود میرزا حسین خان سپهسالار به فرنگ می رود، در آنجا به ویژه در پاریس استقبال شایانی از وی می شود و با مراسم باشکوهی در شانزه لیزه که با حرکت "دسته ای فیل در پیشاپیش موکب همایونی" (امانت، ۱۳۸۳، ۵۵۶) همراه است، ورود او را گرمی می دارند.

این مراسم چنان در وی اثر نهاد که در بازگشت در صدد "تشکیل شانزه لیزه ای در پایتخت برآمد" (شهری، ۱۳۸۳، ۲۷۶). خیابان لاله زار در باغ لاله زار احداث می شود و باغ لاله زار به نود هزار تومان فروخته می شود (هدایت، ۱۳۷۵، ۵). برای عبور خیابان حصار و نرده های باغ خراب کرده و درختان آن بریده می شوند و زمین های آن میان اطرافیان شاه تقسیم می شود و در این



تصویر ۳- میدان توپخانه و دروازه ورودی به خیابان لاله زار که در مرکز تصویر دیده می شود (۱۲۶۰ شمسی).
منآخذ: (پارسایی، تهامی، ۱۳۸۳)

است، به میدان توپخانه منتهی می شود. این خیابانها خوب سنگفرش شده و در طول جویباری که در دو طرف خیابان جاری است، درختان فراوانی کاشته بودند. در نزدیکی خیابانهای مذکور باغهای باصفای سلطنتی واقع شده که بر زیبایی منظره این قسمت بسی افزوده است^۷ (اورسل، ۱۳۵۳، ۱۱۰). در امتداد خیابان و روبروی خانه دکتر تولوزان باغچه عمومی زیبایی (در شمال شرق خیابان لاله زار) تعبیه می شود که به گفته اورسل روی یک بنای مدور کوچک در داخل این پارک، مجسمه ای از نیم تنه ناصرالدین شاه را می گذارند (همان، ۱۱۱)^۸. هرچند مجسمه خیلی زود از روی سکو برداشته می شود و سکو خالی باقی می ماند (همان). ممنوعیت تندیس و تندیس سازی در اندیشه ایران دوران اسلامی سبب حذف تندیس از فضای شهری آن روزگار می شود و برعکس، انطباق مفهوم پارک با باغ عمومی سبب پذیرش آن در پهنه شهر می گردد.

با وجود این که باغ لاله زار متعلق به شاه بوده و خیابان لاله زار درون آن احداث می شود، این سوال مطرح می شود که چرا چون الگوی اروپایی آن یعنی شانزه لیزه خیابانی عریض شکل نگرفته است و لاله زار خیابانی با عرض نسبتاً باریک است؟^۹ در اولین نگاه شباهتی بین بلوار شانزه لیزه با معابر وسیع میانی و معابر کناری آن و خیابان لاله زار وجود ندارد. ولی آنچه شاه قاجار در پی آن بود نه مفهوم کالبدی که معنای فضایی و روانی خیابان شانزه لیزه بود. او حال و هوای خیابان را در سرداشت و نه شکل کالبدی آن را. در جانب

و باغات مرغوب تهران در سال های بعد تا هنوز را نیز رقم می زند. با گسترش و ایجاد محله جدید دولت در شمال شهر، جابه جایی مرکز شهر (از سبزه میدان به میدان توپخانه) و به زیر ساخت و ساز رفتن باغ های برون شهری قدیم، که نقش تفرجگاه های بیلاقی بلافصل شهر را برعهده داشتند^۵، دو باغ نگارستان و لاله زار عملکردهای دیگری می یابند. باغ نگارستان نقش دیوانی و حکومتی می یابد (تکمیل همایون، ۱۳۷۸، ۲۶) و مدتی نیز در سال ۱۲۹۸ ه.ق. (۱۲۶۴ ه.ش.) مکان تبعید مظفرالدین میرزای ولیعهد به دلیل سوء عملش در فتنه عبدالله کرد در آذربایجان می شود (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۶) در باغ لاله زار نیز "وسایل تفریح و تماشا فراهم" (نجمی، ۱۳۵۶، ۱۵۶) می آید. در قسمت شرقی باغ، باغ وحشی ایجاد می شود. که در آن بسیاری از درندگان و "جانوران جنگل و جبال و صحاری و الوان طیور و انواع وحوش را در حرزهای حصین و قفس های آهنین" نگه می دارند (سیفی فمی، ۱۳۶۹، به نقل از مآثر و الآثار، باب هشتم، ۹۸). هدف از ایجاد باغ وحش بنا به گفته اعتماد السلطنه در ابتدا برای نگهداری "طیور و وحوش... برای تعلیم و تعلم علوم طبیعی" (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷، ۱۴۸۳) است اما بعداً جنبه تفریحی آن غالب شده و در آنجا برای مردم نمایش های جالبی از حیوانات وحشی رام شده از قبیل شیر و فیل و انواع میمون ها می دهند (نجمی، ۱۳۵۶، ۱۵۶). به دستور کامران میرزا نایب السلطنه تهران در روزهای عید و جشن مثل عید قربان و چهارشنبه آخر سال یا چهارشنبه سوری در نزدیک استخر فراخ و پهنای باغ وحش افراد دسته موزیک فوج مخصوص او آهنگ های ویژه ای اجرا می کردند و باغ لاله زار "مجمع اهل دل و ارباب هوا و هوس و مشتاقان سیر و تماشا" می شد (سیفی فمی، ۱۳۶۹، ۱۵۱) بدین ترتیب باغ لاله زار در بخش شرقی خود تبدیل به پارک عمومی و محل باغ وحش می شود. عناصری کاملاً نو در شهر تجدیدطلب آن روزگاران.

لاله زار خیابان متجددان و تجدیدطلبان

خیابان لاله زار که در سمت شرقی خود پارک تازه تأسیس را دارد و در سمت غربی خود دیگر کاربری های شهری را تدارک می بیند، میل آن دارد که حال و هوایی از خیابان های اروپایی به خصوص شانزه لیزه را تداعی کند. و هم از این سبب کارکردها، کاربری ها و تأسیساتی در آن جای می گیرند که بتوانند خاطره ای از خیابان های اروپایی را زنده کنند، با ویژگی هایی از این دست:

الف- ویژگی های کالبدی

۱- دگرگونی کالبدی و شکلی:

در اولین اقدامات پس از احداث خیابان، چون سنت کهن خیابان سازی در ایران، در دو سوی آن درخت کاشته می شود و جوی های آب جاری می شوند^۶. چنان که اورسل می گوید: "خیابان "دولت" (فردوسی) و خیابان "لاله زار" نیز که هردو خیابان های درازی



تصویر ۴- دید از شمس العماره به طرف شرق که ساختمان های با معماری سنتی (سقف صاف و گنبدی) را نشان می دهد.
مأخذ: (سمسار، سرانیان، ۱۳۸۲)

۲- چراغ گاز و زندگی شبانه

خیابان لاله زار را با چراغ های گاز روشن می کنند، تا زندگی شبانه شهری نیز برای نخستین بار در شهر ایرانی تجربه شود. این نکته ای است که اورسل در ۱۸۸۳ میلادی (۱۲۶۲ شمسی) از آن یاد کرده است (اورسل، ۱۳۵۳، ۱۰۳) و در گزارشی که یک سیاح روس در بازدید از تهران در سال ۱۸۸۷ میلادی (۱۳۰۵ ه.ق، ۱۲۶۶ شمسی) دارد، نیز به روشن شدن برخی محلات با چراغ گاز اشاره شده است (گزارش ایران، ۱۳۶۳، ۳۰). اعتماد السلطنه در این مورد در سال ۱۲۹۸ ه.ق. (۱۲۶۴ ش.ه) چنین می نویسد:

"امروز...چراغ گاز باید مفتوح شود و شاه در افتتاح حضور به هم رسانند. چراغ مفتوح شد. تشریفات فراهم آمد، شاه نرفت. تفصیل اینست: در سفر دوم فرنگ شاه میل کردند که در طهران ایجاد چراغ گاز شود بسبب فرنگستان. اما از کیسه خود خرج نفرمایند. بنا شد ثلثی از مخارج را سپهسالار بدهد، ثلث دیگر را امین الملک، ثلثی شاه. امین الملک که به بردن منفعت جزئی در پیدا کردن شخصی موسوم به فابیوس بوتال خود را کنار کشید. شاه بیست و چهار هزار تومان، سپهسالار بگفته خود هفتاد هزار تومان بدفعات مختلف، فابیوس هم وعده روشن کردن چراغ مذکور را دادند و از عهده برنیامد. بالاخره تأکیدات بلکه تهدیدات تا روز افتتاح شنبه یازدهم مقرر شد. معتمد الملک که از طرف سپهسالار حاکم خراسان مناسبت برادری و سمت وکالت دارد در طهران است. تشریفات زیاد از هر قبیل فراهم آوردند. میدان توپخانه را آرایش دادند. بیرق زدند. چادرها افراشتند. موزیکانچیان اخبار دادند. شربت و شیرینی [و] اقسام میوه فراهم آوردند. وجه نقد و شالی هم بجهت پیشکش آستان پادشاهی



تصویر ۵- دید از مسجد سپهسالار به طرف شمال که خیابان لاله زار را در انتهای تصویر نشان می دهد. ساختمانهای با سقف شیروانی و نمای آجرسنگ نما مشخصه محله دولت در تصویر دیده می شوند.
مأخذ: (پارسایی، تهامی، ۱۳۸۳)

شرقی خیابان، باغ لاله زار قرار گرفته است. در جانب غربی در ابتدای خیابان مغازه ای احداث می شود، اما بعد از آن خانه های متعلق به دولتمندان و خارجیان است که محوطه غربی کنار خیابان را اشغال می کند. این خانه ها با "سردرها و ازاره هایی که با آجرهای سنگ نما ساخته شده" و با "بامهای شیروانی" که "تا آن زمان رایج نبود" (سیفی فمی تفرشی، ۱۳۶۹، ۱۰۶) زیبایی شناسی جدیدی را در مقیاس شهری مطرح می کنند و خط آسمان و خط زمین تازه ای را درکناره خیابان تعریف می کنند که تا آن زمان بی سابقه است و شکل و شمایل فرنگی دارد. هرچند بدنه خیابان که به مرور شکل گرفته مانند شانزه لیزه از اسلوب واحدی پیروی نمی کند و معماری متنوعی دارد (برد و وستون، ۱۳۶۸، ۷۶).

استفاده از زمان دگرگون می شود - مفهومی پایه ای در شهر تجدیدطلب - گواينکه هیچ ضرورت تولیدی دگرگونی مفهوم زمان را در ایران آن روزگار طرح نمی کند، هیچ ضرورت اجتماعی این تغییر را طلب نمی کند، هیچ فعالیت فرهنگی و یا اقتصادی امتداد زندگی روزانه در طول شب را خواستار نیست ولی طعم و مزه زندگی شبانه شهری در شهر تجدیدطلب احساس شده است، با اینکه زندگی شبانه در مفهوم اروپایی آن هنوز جایی برای تبلور یافتن ندارد، حضور مردمان تا پاسی از شب رفته^۱ در خیابان لاله زار نشان از پذیرش آن در زندگی شهری دارد. حضور فرد در شب شهر، آن هم برای اقتشار خاصی از جامعه و به خصوص مردان، زندگی شبانه را به عنوان بخشی از زندگی شهری طرح می کند^{۱۱}.

۳- حضور واگن اسبی

واگن اسبی از دیگر مظاهر نوپردازی (مدرنیزاسیون) از بالا نیز جای پای خود را در لاله زار باز می کند. واگن اسبی وسیله ای تفریحی در خیابان لاله زار است. در این مورد جعفر شهری می نویسد: واگن سواری "تا آن اندازه لذیذ و دلچسب می آمد که کمتر امکان داشت کسی به آن دسترسی داشته، اگرچه خود صاحب اسب و درشکه شخصی بوده باشد و بتواند از آن صرف نظر کند (شهری، ۱۳۷۱، ۲۲۸). واگن اسبی در حیات مدرن شهری پاریس، وسیله ای برای سرعت بخشیدن به جریان نیروی کار و گردش کالا و سرمایه بود. اما در تهران، وسیله ای است برای تفریح و اسبابی برای بازی بزرگسالان. راه انداختن واگن اسبی نیز قدمی در راستای اروپایی شدن شهر است و برای آن که خیابان، حال و هوای خیابان اروپایی را بیابد. گواينکه حضور واگن اسبی در شهر اروپایی منطبق بر منطق زندگی جدید شهری بود و مفهوم فراغتی را نیز در خود داشت ولی جریانی که مشوق راه اندازی واگن اسبی در شهر اروپایی می گردد، بر مبنای منافع سرمایه داری نوپا و بهره برداری از وسایل آموشد سریع برای تولید و توزیع و مصرف کالا و سرمایه قرار دارد و کارایی و بازدهی مداوم این وسایل را مد نظر دارد و از این رو مدیریت تعمیر و نگهداری، و گسترش آن بخشی از این جریان است. ولی در غیاب دگرگونی سازمان تولید در ایران آن روزگار، نگاه تفننی به واگن اسبی و این که واگن اسبی وسیله ای تفریحی و برای گردشگری و گذران اوقات مفرح است، طبیعی به نظر می رسد. در اینجا راه اندازی واگن اسبی از همان منطق تقلید ساده انگارانه از زندگی شهری اروپایی حکایت دارد و بی تردید نگاه سوداگرانه و بهره برداری مالی تنی چند از چاکران و مخلصان دربار و درگاه را نیز نمی توان فراموش کرد. گواينکه حضور واگن اسبی به معنای توجه به نقش آمد و شد عمومی در زندگی شهری نیست ولی شکی در این نیست که مفهوم آمد و شد عمومی در معنای تجدیدطلبانه آن را در شهر طرح می کند. چگونگی راه اندازی واگن اسبی از نوشته اعتماد السلطنه نیز خالی از لطف نیست:

حاضر کردند... علی الغفله موقوف فرمودند... و شاهزاده ها را مأمور افتتاح فرمودند و خود نرفتند... معروف است که نایب السلطنه بواسطه عداوت با سپه سالار و کنت بجهت دشمنی که با شخص فابیوس دارند شاه را ترسانده بودند که جمعیت ازدحام زیاد است. اگر تشریف بیاوریدیم خطر است" (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۶، ۱۱۹). به نظر می رسد خیابان جدید با مفهوم تجدیدطلبانه خود در میان مردم شهر جای خود را باز کرده است. جمعیت زیاد و ازدحام، آمد و شد، واقعه ها و حادثه ها؛ خیابان در شروع خود حال و هوایی این چنین را می نمایاند و دولت خود مشوق این امر است. حیات مدنی در مفهوم غربی در تعارض با مفهوم "کورباش، دورباش" شرقی قرار می گیرد و شاه در عرصه عمومی حضور نمی یابد. عرصه عمومی طلب شده از بالا، به هنگام تولد خود موجب هراس آفریننده اش می شود.

مفهوم حیات شبانه در شهر اروپایی سبب ایجاد چراغ گاز به عنوان بخشی از نوپردازی (مدرنیزاسیون) از بالا مطرح می شود. حضور مردمان در زندگی شبانه شهر گواينکه با ضرورت های زندگی شهری مردمان و جریان تولید ایران آن روز در تعارض است و به عنوان امری حاشیه ای و خارج از عرف و ضرورت ها تلقی می شود و امکان وقوع آن، مردمان را به بهره برداری از آن وا می دارد. اما چون همیشه، به سبب آن که مردمان در ضرورت تولید فضای شهری دخالتی ندارند و آن را امری دولتی می پندارند، خود را در چگونگی استفاده و مدیریت و نگهداری آن دخیل ندیده و در مواردی بسیار در آسیب رساندن به تأسیسات و تجهیزات آن نیز مؤثر می افتند و سبب می گردند تا... "لوله های فانوس های خیابان توسط اهالی قطع و خراب و روشنایی آن منحصر به اندرون و حیاط های آن گردد" (شهری، ۱۳۸۳، ۲۲۴). تأکید بر نوپردازی از بالا و عدم درک این امر هم از سوی مردمان و هم از سوی مسئولان سبب ساز نبود مدیریت و نگهداری فضای شهری و از کار افتادن تجهیزات، فرسودگی و در نتیجه عدم کارایی آنها می شود. گرتروید بل در توصیفی که از وضعیت چراغ ها می کند، می نویسد: "تیرهای کج چراغ ها با حالتی ناخوشایند و پرخاشگر در مقابل شکل مخصوص زندگی مردم مشرق زمین قرار گرفته اند" (گرتروید بل، به نقل از تکمیل همایون، ۱۳۷۸، ۳۵). به نظر می رسد که این سیاح به خوبی دریافته است که نوپردازی (مدرنیزاسیون) از بالا و عدم درک ضرورت آن از سوی جامعه چگونه به ناهنجاری های کالبدی می انجامد. او به خوبی تعارض بین زندگی شهری معمول در ایران آن روز، نمادهای کالبدی شهر اروپایی را دریافته است. نمادها و عناصری که برای تلفیق و ترکیب با زندگی روزمره مردمان نیاز به زمان دارند. اندکی بعد "چراغ های نفتی را به طور موقت و نامطمئن بر آنها [پایه های چراغ گاز] قرار می دهند (کرزن، ۱۳۴۹، ۴۰۷).

با پیدایی زندگی شبانه شهری و در غیبت این نوع زندگی جمعی شبانه در فرهنگ سرزمینی و در زمانه خود، تعارض اصلی در چگونگی گذران اوقات فراغت مردمان شهر آغاز می گردد. نحوه

ب- فضای شهری، ویژگی‌ها و دگرگونی‌ها

۱. حضور خیابان در شهر

شاه قاجار در پی گردشگاهی به سبک شانزه لیزه بود و در آن نیز موفق بود. از این رو لاله زار به سرعت به گردشگاه اصلی تهران تبدیل شد و مردمان شهر برای حضور در واقعه‌ها و حادثه‌ها - خواه بازیگر یا تماشاگر - بدان روی آوردند. لاله زار به سرعت در قصه شهر تهران جای می‌گیرد و خود راوی دیگر قصه‌های شهری می‌گردد. هاینریش بروگش که در سال ۱۸۸۶ میلادی، ۱۲۶۵ ه.ش. در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه به تهران آمده منظره خیابان لاله زار را در آن دوره چنین توصیف می‌کند:

" مردان و زنان جدا از هم" در خیابان مشجر لاله زار " با قدمهای آهسته گردش می‌کنند". در خیابان لاله زار دسته‌های زنان " خود را با چادر پوشانده و روی سبزه‌ها در کنار بوته‌های گل نشسته و هوای پرتراوت بهاری را استنشاق می‌کنند. مردان آنسوتر قدم می‌زنند. غالباً دست در دست یکدیگر دارند و زیرچشمی زنان را و رانداز می‌کنند... عده‌ای دیگر کنار جوی آب نشسته و به جریان آب چشم دوخته‌اند... در طرفی دیگر عده‌ای دور سماور جمع شده و مشغول نوشیدن چای هستند و یا با قلیان تنباکوی شیراز می‌کشند...". (بروگش، ۱۲۷۴، ۱۱۹). خیابان فرنگی مورد نظر شاه قاجار، حال و هوایی کاملاً ایرانی و شرقی یافته است. دو جریان تمدنی در لاله زار به گفتگو می‌نشینند.

از آنچه در توصیف خیابان لاله زار باقی مانده است می‌توان حدس زد که این خیابان در دوران ناصرالدین شاه که دوران آغاز شکل‌گیری آن است، خیابان مشجر سنگفرشی است که هنوز پیرامونش را باغ و باغچه‌هایی که در اثر تقسیم باغ لاله زار و فروش آن به وجود آورده‌اند، پوشانده‌اند. در درون باغ‌ها و باغچه‌ها، عمارت‌های زیبا ساخته شده‌اند. "باغ و خانه‌هایی که بیشتر به قصر شباهت دارند" (برد و هارولد، ۱۳۷۶، ۶۱). لاله‌زار آن زمان "از یک طرف به صحرا و حاشیه‌های ساخته نشده کنار بارو می‌رسد (هدایت، ۱۳۳۹) و از طرف دیگر به میدان توپخانه و نقش گردشگاه دارد. جز مغازه‌آبدای خیابان که اجناس خارجی می‌فروشد، خیابان هنوز خصلت تجاری نیافته است و تفرجگاه مردمان تهران در درون حصارهای شهر است. این نکته را از نقشه حاج عبدالغفار نیز که در سال ۱۳۰۹ ه.ق. (۱۲۷۴ ه.ش.) ترسیم شده است، می‌توان دریافت. با توجه به همین موقعیت خیابان است که تولوزان پزشک مخصوص ناصرالدین شاه و بعدها کنت دو مونت فرت رئیس جدید نظمیه، دو نماد تجددطلبی [پزشکی جدید و پلیس] در آن مستقر می‌شوند".

اولین گام برای ایجاد خیابانی مدرن، روحیه اروپایی آن است که پس از تولد خیابان لاله زار در آن رخساره می‌نماید. در میل شاه به داشتن خیابانی به سبک خیابان‌های اروپایی و نوپرداز از بالا هنوز چهره توسعه‌گر مدرن که برمن در فاوست گوته آن را



تصویر ۶- واگن اسبی و خط آن در میدان توپخانه، ورودی لاله زار. مأخذ: (پارسایی، تهامی، ۱۳۸۳)

امروز شاه به مسیو دنی که طراموای ساخته و اوایل به‌شهر انداخته حضور آمده بود می‌فرمودند چرا خطوط آهن که گذاشته‌ای برای عبور و مرور پیاده و کالسکه اصلاح نمی‌کنی؛ با وجودی که قرارنامه تو است؟ مسیو دنی گفت در قرارنامه نیست. شاه فرمود بر فرض ما خطا کرده باشیم و در قرارنامه ترا مسئول نکرده باشیم انصاف تو کجا رفته است که چنین خبطی که ما کردیم تو غنیمت می‌شمی؟ بعد از این عجز دنی قبول نمود که راه را بسازد. من اگرچه مترجم بودم اما زیر لب پوزخند می‌زدم که شاه ایران بخیط خود اعتراف می‌نمایند. در صورتی که اصلاح این کار آسان بود. وزیر اعظم شش هزار تومان از دنی گرفته است و این امتیاز را به او داده است. حالا باید شاه ما تملق نماید" (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۶، ۶۹۳).

کم رنگ بودن نقش واگن اسبی در جریان گردش کالا و سرمایه و حمل و نقل عمومی شهر، سبب می‌گردد که چون امری خاطره‌ای در ذهن شهر باقی ماند گویانکه آثار آن به عنوان عنصری زائد در اقدامات بعدی مدرنیزاسیون از بالا از سطح شهر پاک می‌شود. در دوران رضاشاه و به بهانه گران بودن هزینه نگهداری واگن اسبی، آن را تعطیل می‌کنند^{۱۲}. مهم نبودن نقش این عنصر پایه‌ای در حیات شهر اروپایی در زندگی شهر ایرانی، علی‌رغم تجددطلبی آن، سبب می‌شود تا مدیریت و نگهداری شایسته‌ای از آن صورت نگیرد. تفتنی بودن آن سبب می‌شود که چون بازیچه‌ای مورد استفاده باشد و با آمدن بازیچه‌ای جدیدتر، اتومبیل، به کناری نهاده شود و کسی به فکر کارایی مداوم آن نباشد. نوآوری اروپایی در تکامل وسایل آمد و شد و تفتنی ماندن آن در زندگی شهر متجدد ایرانی، به دوراندختن واگن اسبی منجر می‌شود. فرسودگی تدریجی واگن اسبی را گرتروید بل که در سال ۱۸۹۳ میلادی (۱۲۷۲ شمسی) یعنی در اواخر دوران ناصرالدین شاه در تهران بوده است، چنین توصیف می‌کند: "در این خیابانها تراموای اسبی اروپایی کثیف و مواظبت نشده است" (گرتروید بل، به نقل از تکمیل همایون، ۱۳۷۸، ۳۵).

چارچوب مشخص در درون شهر شکل می گیرد. هم طبیعت رام نشده و هم حیوانات وحشی در دید و دسترس شهرنشین تهرانی قرار می گیرد و او هم مبهوت و هم مشتاق با آنها روبرو می شود. او مجبور به کشف مجدد شهر و عناصر جدید آن است، عناصری که هیچگاه در خاطره جمعی و سنتی او جای نداشته است و بنابراین چاره ای ندارد که بار دیگر خود و شهر را تعریف کند و شهر و خود را بازخوانی کند. نوپردازی از بالا، با سرعتی شگفت انگیز سبب ساز نوپردازی از پایین می شود. تندیس عینی شاه قاجار از میانه پارک برداشته می شود اما تصور توسعه شکلی و مداوم در ذهن شهرنشین تهرانی جای می گیرد تا تهران دیگر نه خود را با شهرهای کشورهای پیرامونی که با شهرهای اروپایی مقایسه نماید.

نوپردازی از بالا سبب ساز رویدادهای نویی می شود و شاید بتوان مهم ترین آنها در فضای شهر نوپرداز را در باز شدن پای زنان به زندگی شهری دانست. زنانی که هنوز در چارچوب زندگی سنتی گام بر می دارند و از هم عرض قرار گرفتن با مردان ابا دارند و در قسمت شرقی خیابان جدای از مردان قدم می زنند، حضور مستقل خود را در فضای شهر اعلام می کنند، حضوری که از شکستن سنگین سنت های جامعه حکایت دارد و پژواک آن در زمانه های بعد عمیقاً احساس می شود. قدم زدن در عرصه عمومی شهر به قصد تفرج برای زنان که تا قبل از آن جز برای انجام امور ضروری، خرید، دیدن اقوام و یا زیارت از خانه خارج نمی شدند، امری است تازه و اطواری است به غایت مدرن. جنس شهر با حضور زن در عرصه های عمومی دگرگون می شود. چهره شهر تغییر می یابد و تصور مردمان از شهر دگرگون می شود و این آغاز است. شهر و فضاهای آن از تعلق داشتن به مردان رهایی می یابد. تغییرات کالبدی، فضایی و شکلی شهر، دگرگونی های روانی، هنجاری و محتوایی شهر را سبب می شود و در فاصله ای نه چندان دور از اقدامات شکلی دوران ناصری، پیش لرنه های انقلاب مشروطیت شروع دگرگونی های بنیادی را اعلام می دارد.

تصویر می کند و در شهرسازان قرن نوزدهم و بیستم مانند اوسمان^{۱۳} و موزز^{۱۴} نمود می یابد (برمن، ۱۳۷۹)، دیده نمی شود. هنوز راهی دراز برای پیدایی این توسعه گر در پیش است. خیابان درپی باز تعریف روابط اجتماعی و شهری نیست، خیابان برای آن شکل می گیرد که دولت قاجار نیز می خواهد در روزگاران خود محملی برای جهانی شدن داشته باشد. خیابان برای تشفی خاطر ملوکانه شکل می گیرد. مدرنیزاسیون از بالا می خواهد شکل مفرح زندگی اروپایی را در شهر ایجاد کند، او غافل از جنبه های تولیدی، اجتماعی فرهنگی، اقتصادی سیاسی است که مبنای این شکل زندگی شهری است. دولت قاجار در پی دگرگونی شکلی است و رغبتی به دگرگونی های محتوایی ندارد و می خواهد نسیمی از مدرنیته اروپایی را از دریچه کوچکی وارد کند تا در لابلای درختان استوار سنت بوزد. او نه می خواهد و نه می تواند سبب ساز طوفان مدرنیته شود، طوفانی که درختان را از ریشه برکند و جان ها و روح های مردمان را در هم نوردد و آنها را در سیل بنیان کن شیوه های جدید زیست و تولید غرق کند. از همین رو است که خیابان به اطوار فرنگی روی می آورد و هر آنچه را که در خود جای می دهد برای هرچه کامل کردن این فرنگی مآبی است. فرنگ رفتگان آن روزگاران می خواهند خاطره های خود از شهر اروپایی را در فضایی بومی، ایجاد کنند. امری که خود موجب خاطرات و خطرات جدیدی برای شهر ایرانی می گردد.

۲. حضور شهر در ذهن شهرنشین

در این خیابان با فضایی بیش و کم ناآشنا با زندگی مرسوم مردمان شهر، عناصری پدیدار می شوند که حکایت از شیوه های "نو" در زندگی شهری دارند. باغ وحش درجوار لاله زار خود از مظاهر شهر مدرن آن روزگاران است: طبیعت وحش که انسان از آن در زندگی واقعی اش فاصله گرفته است، اینک در قالب جدیدی در معرض دید قرار می گیرد. پارک نمودی دیگر از زندگی شهر مدرن است: باغ برون شهری حکومتی که به تدریج رشد یافته به درون شهر کشیده می شود، قاب گرفته می شود و فضای طبیعی در

نتیجه

بردارای از آن می شود. در تحول ایجاد شده، شکل و شمایل به اطوار فرنگی یافتن به ارزشی مبدل می شود که از ظاهر و پوشش تا طرح توسعه شهری می توان آن را دید. گرچه منش ایرانی سعی می کند اطوار فرنگی را خودی سازد و سیاقی نو در افکند. ارزش یافتن اطوار فرنگی به خصوص با توجه به زرق و برق فریبنده توسعه شهری در اروپا، معنا و مفهوم پیدا می کند. لندن

اراده ای که از زمان عباس میرزا برای ارتباط با جهان غرب و درک عوامل عقب ماندگی به ویژه نظامی و آشنایی با تمدن غربی پیدا می شود، با گسترش تماس ها و مراودات به ویژه در دوران ناصرالدین شاه به اوج خود می رسد. در این دوران است که بسیاری از دستاوردهای تمدن غرب از وسایل منزل گرفته تا کارخانه وارد شده و اگر واردشدنی نیست، سعی در تقلید یا گرت

هنوز نام کهن "لاله زار" را بر خود دارد تا شبی از باغ ریشه دار ایرانی در ذهن بنشیند، را می سازند و پارک و باغ وحش و تفرجگاه زنان و مردان، کاربری آن را شکل می دهند. فضایی متجدد شکل گرفته است تا خواست ملوکانه برای ایجاد خیابان اروپایی برآورده شود. آنچه غایب است سازگاری صورت و محتواست. لباس نو بر تن کهنسال شهر، عاریتی است و در غیبت علاقه جمعی به این لباس پیشکشی، اینجا و آنجا فرسوده می شود. تن کهنسال باید خود از نو زنده شود تا لباس نو بر قامتش راست بیاید. اطوار فرنگی ممکن است خوشامد برخی مردمان باشد، اما هنوز خواست عامه آنان نیست.

و پاریس قرن نوزدهم همان گونه که شاعران و نویسندگان و ساکنان آن سرزمین ها را مبهوت دستاوردهای دوران مدرنشان می کنند، دیگران را نیز از داستایوسکی (برمن، ۱۳۷۹) تا ناصرالدین شاه شیفته خود می سازند. از همین رو است که این پادشاه سرزمین کهنسال ایران در بازگشت از سفر خود به دیار فرنگ بر آن می آید تا طرحی نو با الهام از فضای فریبنده شانزلهیزه در دارالخلافه خود در اندازد و آن را با اسباب و لوازم مدرن بیاراید.

سنگفرش خیابان، چراغ گاز، تراموای اسبی، بناهای چهره به برون گشوده با آجرنما و سقف شیروانی، کالبد این فضای نو که

پی نوشت ها:

- گرچه به نظر می رسد لازم است تحقیق جداگانه ای در مورد تبریز در زمان ولایتعهدی عباس میرزا انجام شود. شاید بتوان ردپایی از دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی دوران مکتب تبریز را در حوزه زندگی شهری نیز یافت.
- به گفته ژاک موریه باغ نگارستان در این سال در حال ساخت بوده است.
- رک. به حبیبی، اهری، ۱۳۸۵.
- لرد کرزن نیز به فروخته شدن باغ لاله زار و کشیدن خیابان در خاطرات خود اشاره کرده است. نکته مبهم این است که اگر کل باغ فروخته شده است، چطور در نقشه عبدالغفار که در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار ترسیم شده است، هنوز باغ لاله زار بخش بزرگی از قسمت شرقی خیابان را می پوشاند. شاید جواب این باشد که بخشی از باغ لاله زار با توصیفی که از آن آمده که محل رشد لاله های خودرو بوده فروخته شده و بقیه آن در مایملک شاه باقی مانده و در اواخر سلطنت قاجار فروخته می شود. به هر حال پاسخ این سوال هنوز روشن نیست. هر چند نکته ای که مخبرالسلطنه هدایت در کتابش اشاره می کند به نوعی مؤید فرض فوق است. وی می گوید که "لاله زار باغی بود بین خیابان لاله زار و میدانی در متمم خیابان اسلامبول و خیابان ماشین" (هدایت، ۱۳۷۵، ۵) این اشاره حکایت از آن دارد که در زمانی که وی می زیسته که اواخر دوره ناصرالدین شاه را دیده است، خیابان لاله زار در کنار باغ احداث شده بود.
- در ۱۲۵۷ ه.ش (۱۲۹۱ ه.ق) باغ عشرت آباد در آن سوی شمالی خندق شمالی ساخته شده و جانشین باغ نگارستان، یعنی باغ سلطنتی برون شهری در محدوده بلافصل شهر می شود (رک. به: انوار، ۱۳۷۳، ۳۷).
- ایجاد جوی آب نشان از آمیختگی دو مفهوم شرقی و غربی خیابان دارد. در مفهوم اروپایی یا غربی خیابان جوی آب و گذر آب از کناره خیابان معنایی ندارد. در مفهوم شرقی یا ایرانی، درختکاری و جوی آب از مشخصات خیابان مکتب اصفهان است که از زمان شاه عباس صفوی به صورت طراحی شده در چهارباغ اصفهان ایجاد شده و در طرح های شهرسازی پس از آن تکرار می شود. به همین دلیل علی رغم فرنگی مآبی دولت قاجار خیابانی با در هم آمیختن الگوهای فرنگی و ایرانی ایجاد می شود.
- شاید درخت های دو طرف خیابان، درختان درون خیابان های باغ باشند. به عبارتی شاید خیابان لاله زار منطبق با یکی از خیابان های باغ باشد.
- طبق نقشه عبدالغفار خانه دکتر تولوزان در خیابان علاء الدوله است و روبروی پارک کنت دو مونت فرت یا پارک ناصری در قسمت شمال خیابان لاله زار خانه کنت دو مونت فرت یا پلیس نظمیه قرار دارد. مشخص نیست که آیا در زمانی که اورسل در تهران بوده دکتر تولوزان در خیابان لاله زار سکونت داشته و بعداً به خیابان علاء الدوله نقل مکان کرده یا اینکه اورسل اشتباه کرده است که بنظر نمی رسد این نکته درست باشد چون بقیه اطلاعاتی که در مورد خیابان لاله زار می دهد مقرون به صحت است. نکته دیگری که مؤید فرض فوق است، اشاره مادام دیولافوا است که در کتابش ضمن ترسیم طرح خانه دکتر تولوزان می نویسد که از محل سکونتگاهش که صومعه خواهران سن و نسان دوپل (که در یکی از کوچه های فرعی لاله زار بوده است) تا خانه دکتر تولوزان راه کمی است که همسر بیمارش می تواند پیاده طی کند (دیولافوا، ۱۳۶۹، ۱۲۷-۱۲۹).
- اگر خیابان منطبق با یکی از خیابان های درون باغ باشد در این صورت باریک بودن نسبی آن توجیه کافی دارد.
- بیرون ارک از ساعت پنج از شب گذشته عبور ممنوع بود و بالغ بر یکصد قراولخانه در هر کوی و برزن برای اینکار کشیک داشتند و پاسداران عابران متخلف را گرفته تا صبح در قراولخانه باز میداشتند (معیرالممالک، ۱۳۶۲، ۲۶) فقط در ایام عاشورا و ماه رمضان عبور و مرور شبها در شهر آزاد بود (همان، ۶۴-۶۸).
- در مورد نبود شرایط زندگی شبانه به شیوه مدرن غربی اش در تهران چنان که اورسل که در سال ۱۲۶۱ شمسی در ایران بوده می گوید "شاه بعد از مراجعت از اروپا دستور داد چندتائی قهوه خانه دایر شود. حتی اخیراً رستوران بزرگی تأسیس شد که به وسیله یکی از شاهزادگان طراز اول رسماً افتتاح گردید. اما علیرغم حمایت مقامات عالی کار نکرد و ورشکسته شد. اکنون از این نوع رستوران ها فقط یکی به نام حوضخانه در خیابان دولت باقیمانده که پاتوق افسران و ارمی های خوشگذران است، ولی اروپایی های متشخص رفت و آمد به آنجا را دون شأن خود می دانند" (اورسل، ۱۳۵۳، ۱۱۶). طبیعی است که عناصر شهری اروپایی مثل رستوران که محل های تفریح شبانه می توانستند باشند، موفق نمی شوند و زندگی به شیوه بلواهای پاریسی در این زمان اتفاق نمی افتد.
- چنان که مرتضی سیفی فمی تفرشی می گوید: "نظر به این که در سال ۱۳۰۸ خورشیدی کمپانی بلژیکی حاضر به قبول پیشنهاد دولت نبود بلدیة (شهرداری) واگن اسبی را جمع کرده خطوط آنرا زیر خاک مدفون ساخت" (سیفی فمی تفرشی، ۱۳۶۹، ۱۷۴).

فهرست منابع:

- اعتماد السلطنه، محمد حسن (۱۲۶۳)، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، جلد اول، المآثر والآثار. به کوشش ایرج افشار، اساطیر، تهران. اعتماد السلطنه، محمد حسن (۱۳۵۶)، روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، امیرکبیر. تهران.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن (۱۳۶۷)، مرآة البلدان، جلد دوم و سوم، به کوشش ع. نوایی و م.ح. محدث، دانشگاه تهران، تهران.
- امانت، عباس (۱۳۸۲)، قبله عالم: ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران (۱۲۴۷-۱۳۱۳)، ترجمه حسن کامشاد، کارنامه، مهرگان، تهران.
- انوار، عبدالله (۱۳۷۲)، غرب خیابان لاله زار بدر، کتاب تهران، جلد سوم، روشنگران، تهران.
- اورسل، ارنست (۱۲۵۳)، سفرنامه اورسل، ترجمه علی اصغر سعیدی، زوار، تهران.
- برد، اف.ال. و هارولد.ف. وستون (۱۳۷۶)، گشت و گذاری در ایران بعد از انقلاب مشروطیت، ترجمه علی اصغر مظهری کرمانی، نشر جانان، تهران.
- برمن، مارشال (۱۳۷۹)، تجربه مدرنیته، ترجمه مراد فرهادپور، طرح نو، تهران.
- بروگش، هانریش (۱۳۶۷)، سفری به دربار سلطان صاحبقران (۱۸۵۹-۱۸۶۱)، ترجمه مهندس کردبچه، موسسه اطلاعات، تهران.
- بروگش، هانریش (۱۳۷۴)، در سرزمین آفتاب (دومین سفرنامه هینریش بروگش) (تصویری از ایران سده ۱۹)، ترجمه مجید جلیلووند، سعدی، تهران.
- بنجامین، ساموئل گرین ویلد (۱۳۶۹)، سفرنامه بنجامین، عصر ناصر الدین شاه، ترجمه محمد حسین کردبچه، جاویدان، تهران.
- پارسایی، محمدمهدی و داریوش تهامی (۱۳۸۳)، عکس های قدیمی تهران، کتاب ۱، بانک قلم، تهران.
- پارسایی، محمدمهدی و داریوش تهامی (۱۳۸۴)، عکس های قدیمی تهران، کتاب ۲، بانک قلم، تهران.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۷۸)، تاریخ فرهنگی و اجتماعی تهران، جلد دوم دارالخلافه ناصری، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران.
- تهامی، داریوش و فرهاد ابریشمی (۱۳۸۴)، طهران قدیم - اماکن، ابریشمی فر، تهران.
- تهامی، داریوش و فرهاد ابریشمی (۱۳۸۴)، گذری بر طهران - عکس های یک قرن تهران (۱۲۵۰-۱۳۵۰)، میردشتی، تهران.
- دیولافوا، ژان (۱۳۷۸)، سفرنامه مادام دیولافوا، ترجمه علی محمد فره وشی، دانشگاه تهران، تهران.
- ذکاء، یحیی و محمد حسن سمسار (۱۳۷۶)، تهران در تصویر، سروش، تهران.
- ریچاردز، فردریک (۱۳۷۹)، سفرنامه فرد ریچاردز، علمی و فرهنگی، تهران.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۳)، مردم و دیدنیهای ایران، ترجمه غلامرضا سمیعی، نشرنو، تهران.
- سیفی فمی، تفرشی، مرتضی (۱۳۶۹)، تهران در آئینه زمان، اقبال، تهران.
- سمسار، محمد حسن و فرهاد سرائیان (۱۳۸۲)، کاخ گلستان (آلبوم خانه)، فهرست عکس های برگزیده عصر قاجار، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- شهری، جعفر (۱۳۸۲)، طهران قدیم، معین، تهران.
- شهری، جعفر (۱۳۶۹)، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم - زندگی، کسب و کار، رسا، تهران.
- فیودوروکوف (۱۳۷۲)، سفرنامه بارون فیودوروکوف، ترجمه اسکندر ذبیحیان، مرتضی، تهران.
- کرزن، جرج (۱۳۴۹)، ایران و قضیه ایران، ترجمه ع. وحید ماندرانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- کریمان، حسین (۱۳۵۵)، تهران درگذشته و حال، دانشگاه ملی، تهران.
- گروته، هوگو (۱۳۶۹)، سفرنامه گروته، ترجمه مجید جلیلووند، نشر مرکز، تهران.
- مهریار، محمد و دیگران (۱۳۷۸)، اسناد تصویری شهرهای ایرانی دوره قاجار، دانشگاه شهید بهشتی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- نجمی، ناصر (۱۳۵۶)، دارالخلافه تهران، امیرکبیر، تهران.
- نجمی، ناصر (۱۳۷۷)، تهران در گذر زمان، گوتنبرگ، تهران.
- نجمی، ناصر (۱۳۸۲)، تهران قدیم، نشر ادب، قم.
- نفیسی، سعید (۱۳۵۳)، گفتگوی خانوادگی درباره تهران قدیم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- هدایت، مهدی (۱۳۷۵)، خاطرات و خطرات، توشه ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه ای از دوره زندگی من، زوار، تهران.
- هدایت، رضاقلی (۱۳۳۹)، روضه الصفا، جلد دهم، حکمت، قم.
- (۱۳۶۳)، گزارش ایران به سال ۱۳۰۵ ق. از یک سیاح روس، ترجمه سید عبدالله، به اهتمام محمدرضا نصیری، طهوری، تهران.